

گفت‌وگویی خودمانی با ستاره های اخلاق پزشکی به بهانه روز پزشک (قسمت دوم)

صادقانه‌های پزشکان اصفهان



دکتر محسن میر محمد صادقی فوق تخصص قلب و عروق و جراح قلب و عروق، بسیار به ندرت می بینی که لبخندی بر چهره نداشته باشد حتی بعد از ۸ ساعت



انجام سخت ترین جراحی های قلب. پزشکی حاذق معروف به پنجه طلا ما بسیار متواضع، مردمی، محبوب و دوست داشتنی. حتی اگر موفق به پاسخ تلفنت هم نشود، در فرصت مناسب حتما خودش تماس می گیرد.

■ از زمان دبیرستان به رشته پزشکی علاقه مند شدم؛ خصوصاً از کلاس دهم. آن زمان دبیر جبر و مثلثاتی داشتیم که ایشان در تشویق ما برای قبولی در رشته پزشکی نقش بسزایی داشتند. البته از نقش خانواده هم نمی توان گذشت. مسلماً تمام کسانی که رشته پزشکی قبول می شوند باید نمره بالایی در رشته خودشان کسب کنند؛ ما هم از این امر مستثنی نبودیم. در دبیرستان شاگرد اول مدرسه بودم و تمام دانشجویانی که در سال ۵۴ من قبول شدند تماماً در مدار سمان شاگرد اول یا دوم بودند و با معدل بسیار خوبی دیپلم گرفته بودند.

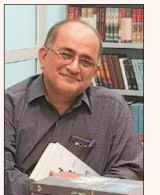
■ اگر پزشک نمی شدم دوست داشتم معلم بشوم زیرا همه پزشکان، قضات، وکلا، مهندسان و تمامی تحصیلکرده ها زیر دست این معلمان آموزش می بینند و از زیر چتر این معلمان عبور کردند.

■ به نظر من انتخاب رشته کار بسیار تخصصی است والدین و مشاوران تحصیلی می توانند نقش بسیار مهمی داشته باشند؛ ضمن اینکه علاقه دانش آموز هم باید مدنظر قرار گرفته شود و اینکه فقط توصیه ما باشد، برای انتخاب رشته کافی نیست؛ لذا یک نسخه واحد نمی توان برای همه پیچید، اما در مورد رشته پزشکی باید گفت «اگر واقعا عاشق این رشته نباشید موفق نخواهید شد؛ زیرا این حرفه فوق العاده برایش سخت خواهد بود؛ مثلاً یک زمانی شما بسیار خسته هستید دلتان می خواهد بخوابد اما باید به خاطر بیمار بیدار بمانید و کاملاً با انرژی به مرخصی خدمت کنید.

■ پزشکیانی که مدت بیشتری کار حرفه ای پزشکی انجام داده اند، مسلماً تجربیات ارزنده تری دارند، تعداد بیشتری بیمار دیده اند و برخورد های بیشتری داشته اند. معتقد تیم های پزشکی به مشاوران قوی تر پزشکی داشته باشند، نتایج بسیار بهتری خواهد داشت.

■ درد دل من در حقیقت گله از مسئولان رده بالای تلو یوزیون هست که با ساختن برنامه های طنز به رابطه پزشکان و مردم آسیب جدی وارد کردند و این ارتباط که در طی سالیان سال بر اساس اعتمادی که مردم به پزشکان داشتند را صرفاً به خاطر خندانن مردم خدشه دار کردند و در این ماجرا هم بیماران آسیب دیدند هم پزشکان.

دکتر مهرداد معمارزاده متخصص بیماری های کودکان و فوق تخصص جراحی کودکان، چهره بدون لبخندش را به خاطر ندارم. اگر چه به دوران سالمندی نزدیک



است، اما فیزیک و خطوط چهره اش همچنان با تخصصش هارمونی جالبی دارد. شاید از این جهت است که اطفال در مواجهه با این پزشک نارامییشان را فراموش کرده و

کمتر برای معاینه شدن دست و پا می زند. ■ انتخاب رشته من فقط بر اساس علاقه بود و ابتدا عاشق کار برای کودکان بودم.

■ رتبه کنکور ۶۶ در اعزاز به خارج قبل از انقلاب رتبه اول سال ۱۳۵۶ بود.

■ لبخند صادری که بعد از عمل ناهنجاری، نوزاد خود را مثل بقیه نوزادان می بیند بهترین خاطره است.

■ از بدترین خاطراتم مرگ کودکان و نوزادان در بیماران شیمیایی شهر سردشت بود که نمی شد کاری برایشان انجام داد و فوت می کردند.

■ دانشجویان امروز در محیط بالین کمتر وقت می گذارند و فقط تکیه بر حفظ کردن مطالب و تست ها دارند، نه بر کسب مهارت پزشکی از طریق استاد. سال هاست از تباطو بین استاد و شاگرد در محیط های بالینی قطع شده است.

■ اکثر پزشکان با مشقت و سختی درس خوانده اند و سال های جوانی خود را در این راه گذاشته اند؛ لذا مرفه بی درد نیستند.

■ اگر پزشک نمی شدم پرستاری از بیماران را درپیش می گرفتم.

■ توصیه به فرزندانم این است که در این کشور به هیچ وجه وارد رشته پزشکی نشوند و عمر خود را صرف راهی نکنند که هیچ کس قدر آن را نمی داند و با نقرت به او نگاه می کنند.

■ خانواده ها نیز فکر نکنند پزشکی رشته پر درآمدی است و به این علت فرزندان خود را اجبار به انتخاب این رشته نکنند.

■ در مورد پایبندی به قسم نامه بقرات باید پرسید، چند درصد از روحانیون به چند بیان می کنند معتقدند و عمل می کنند؟ آنچه درصد از مسئولین دزدی نمی کنند؟ در هر رشته ای ممکن است افراد متفاوتی وجود داشته باشند. رفتارهای بسیاری از ما باز تاب رفتار جامعه با ماست.

■ آنچه را توصیه می کنم خود عمل می کنم.

■ از حقوق و درآمد به هیچ وجه راضی نیستم زیرا در مقابل خدمت و زحمتی که می کشم درآمد حاصله ناچیز است. نه در جامعه جایگاه و احترامی داریم و نه درآمد در خور زحمتی که متحمل می شویم فقط خانواده خود را رنج و زحمت می دهیم و نه خودمان زندگی می کنیم، زندگی در خارج تابع نظم و مقررات است و با کار بسیار کمتر زندگی مرفه تامین می شود و احترام پزشک محفوظ است.

■ این نیز بگذرد. اما ای کاش رفتار جامعه و مسئولین با پزشکان اینقدر بد نبود. بودیم و کسی پاس نمی داشت که هستیم، باشد که نباشیم و بداندند که بودیم.



دکتر حمیدرضا شتابی متخصص بیهوشی، پزشکی که هم چنان پس از دوران مسئولیتش معاونت درمان استان، برای اهالی رسانه مورد احترام و دوست داشتنی است. خودش راملزم به انجام بی کم و کاست وظایف محوله اش دانسته و هنگامی که پای دفاع از حقیقت و پاسداری از حقوق مردم در میان باشد تمام قد می ایستد حتی اگر بعضاً مورد سرزنش و سلب سمت واقع شود.

■ متولد کرمانشاه، تحصیلات تادپیلیم کرمانشاه، پزشکی عمومی و تخصص بیهوشی اصفهان است. ورود به عرصه پزشکی علاقه واقعی خود بود. پدرم از بازاربان قدیمی و خوشنام بودند تمایل داشتند من هم وارد بازار شوم و راه ایشان را

ادامه دهیم؛ اما علیرغم گردش مالی خوبی که داشت احساس می کردم شغل آزاد من را راضی نمی کند.

■ رتبه کنکور تون ۲۲۲ بود.

■ جالب ترین خاطراتم ازدواج و تولد فرزندم و بدترین خاطرات دوران دانشجویی و اینترنی بود. قطعاً تجربه در هر حرفه ای بسیار ارزشمند است و در حرفه پزشکی طبابت نیز تجربه گوهری گرانبهاست که همراه با علم پزشکی می تواند تسکین دهنده درد و رنج بیمار و نجات بخش حیات باشد.

■ پزشکان جزو طبقه ای از جامعه هستند که اکثراً خود را وقف درمان بیماران کرده اند و مانند بقیه جامعه آنها هم غم و شادی را در زندگی دارند درصد کمی از جامعه پزشکی ممکن است باتوجه به ویژگی رشته تخصصی و منحصر بودن در زمینه ای درآمد بالاتری داشته باشند؛ اما عمدتاً دارای درآمدی متوسط و در صد کمی هم درآمد پایین دارند.

■ اگر پزشک نمی شدم، احتمالاً شغل پدری را ادامه می دادم.

■ توصیه به فرزندانم برای انتخاب شغل این است که هر شغلی را دوست داری و راضیت می کنی همان را داشته باش و سعی کن در آن بهترین باشی.

■ خانواده ها بچه هایشان را تحت فشار درس خواندن قرار ندهند. درس را برای فرزندانیشان یک موضوع تحمیلی نکنند بچه های ما حق دارند دنبال رشته تحصیلی و شغلی باشند که دوست دارند و وظیفه ما والدین حمایت از آنها در مسیری است که علاقه دارند.

■ شغل پزشکی هم مانند سایر مشاغل است مردم معمولاً خوب هستند در هر صنفی ممکن است درصد کمی در چارچوب معیارهای پذیرفته شده جامعه قرار نگیرند که این موضوع ممکن است در پزشکان هم دیده شود. به نظر من بیش از ۹۸ درصد جامعه از جمله پزشکی افرادی صادق باوجدان و پایبند به اصول اخلاقی هستند.

■ درصد کمی از پزشکان ممکن است مثلاً به رژیم غذایی خود کمتر توجه کنند.

■ از شغلم راضی هستم چون باحیطه وسیعی از خدمات سلامت (اورژانس، اتاق عمل، بخش های مراقبت ویژه و خارج از اتاق عمل) ارتباط دارم.

■ خدا را شاکرم که فرصت خدمت به بیماران را به من داد؛ دست پدرم درامدم رامی بوسم که در مسیری تحصیل و ازدواج در زمان دانشجویی حامی من بودند و داشته هایم از زحمات و محبت های آنهاست و نداشته هایم از کوتاهی خودم.

■ دریافت لوح های تقدیر از روسای مختلف دانشگاه ها که خیلی مهم نیست؛ برداشته شدن تحریم ایران، افزایش ارزش پول ملی و رفاه مردم مهم است.

دکتر عبدالله ایزدی دستیار تخصصی قلب و عروق، به زعم همکاران و تعدادی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که وی را از قدیم الایام می شناسند و بعضاً نیز هم دوره ای بوده اند، طبابت و پشتکارش مثال زدنی است. مهر تابید آن نیز همان بس که در دهه زندگی کمر همت به گرفتن تخصص آن هم در رشته دشوار قلب و عروق بسته و همچنان پرت انرژی و پا به پای جوانان همانند سایر دستیاران، بیشترین اوقات خود را در شیفت های مختلف



دکتر محسن میر محمد صادقی فوق تخصص قلب و عروق، بسیار به ندرت می بینی که لبخندی بر چهره نداشته باشد حتی بعد از ۸ ساعت

بیمارستانی سپری می کند. متولد خوزستان ۱۳۴۵ اهل اصفهان توابع باغ بهادران و فلا ساکن اصفهان و در حال گذراندن سال آخر رشته قلب و عروق دانشگاه علوم پزشکی اصفهان هستم. متاهل و دارای سه فرزند.

■ از کودکی چون همیشه شاگرد ممتاز بودم هم خانواده هم دوستان و همکلاسی هایم دائم می گفتند تو حتماً دکتر می شوی و کم کم احساس کردم از همان دوران راهنمایی مسیر شغلیم انتخاب شده و از طرفی پزشکی را هم دوست داشتم و عاشقش بودم.

■ آن موقع اصلاً مثل الان چشم و هم چشمی و این داستان هایی که می بینیم وجود نداشت.

■ رتبه کنکور ۲۵۱ بود.

■ آن موقع ها که ما داشنجو و اینترن بودیم، مثل حالا روش های تشخیصی پیشرفته موجود نبود و اساتید ما روی شرح حال و معاینه بیماران خیلی با ما کار می کردند و ما هم اکثر تشخیص هایمان بر همین اصل بود و از این جهت شاید بتوان گفت پزشکان قدیمی تر از این نظر حاذق ترند.

■ بدترین خاطره دوران تحصیلم فوت بهترین دوست دوران زندگیم در حادثه ترانندگی بود. هم خانه بودیم. دیدایش بیمارزد از این مصیبت سال ها فسرده بودم.

■ بهترین خاطره او اولین ایحیایی بود که آن موقع انجام دادم و خانواده بیمار آمدند و با دست گل و لوح تقدیر تشکر کردند. احساس خوبی بود که بارها در ادامه حرفه ام تکرار شد؛ ولی آن موقع لذت ویژه ای داشت.

■ متأسفانه دید اکثر مردم به پزشکان دید مرفه بی درد است. اصلاً درست نیست. معدودی از اساتید و همکاران ما بعد از سال ها رنج و مرارت دوران تحصیل، استرس های کشنده، تمام عمر جوانی خود را صرف آموزش فراگیری تئوری و عملی کرده اند و از بسیاری لادان زندگی چشم پوشی کردند و الان یک درآمد نسبی که حششان است دارند که همین درآمد هم با بی خوابی و استرس و... کسب می کنند؛ البته بماند که بسیاری از همکاران پزشک عمومی ما حتی در اوج مشاغل کفاف زندگیشان را نمی دهد. از طرفی چون چندان هم زندگی پرنشک و نگاهی خاص دارد، اکثر همکاران ما مجبورند صرفاً به خاطر پدک کشیدن اسم پزشک از نان شیشان بزندند و ظاهر زندگیشان را لوکس یا نیمه لوکس نگه دارند و همین امر اکثر مردم را در درآمد پزشکان به اشتباه می اندازد.

■ من اگر پزشک نمی شدم به رشته ادبیات روی می آوردم.

■ دوست دارم فرزندانم هم پزشکی بخوانند و تجربیاتم را به آنها منتقل کنم؛ ولی پزشکی عشق و علاقه می خواهد و اگر علاقه نداشته باشند، هرگز مجبورشان نخواهم کرد. کما اینکه دخترم داروسازی را دوست داشت که انتخاب کرد.

■ به خانواده ها توصیه می کنم فرزندانیشان را تحت فشار به این رشته نفرستند، چون شغلی است که فشار و پشتکار می خواهد و با جان انسان ها سر و کار دارد. همین الان به عینه در بین اینترن ها و دانشجویان خودمان تعداد معدودی را می بینم که کاملاً بدون انگیزه فراگیری هستند و کاملاً معلوم است که خودشان این رشته را انتخاب نکرده اند. پزشکی یک هنر است؛ استعداد می خواهد و هر کسی نمی تواند در آن موفق به دست می آورد اصلاً تناسبی ندارد.

■ شما خبر دارید که حدود بیست ماه هست که پزشکان در یاقی از بیمه ها نداشته اند، این در حالی است که طبق قراری که بیمه ها با پزشک و بیمارستان دارند، باید بعد از ۲ ماه از ارائه خدمت

هم یافت می شوند که یک سری بد اخلاقی هایی ممکن است از آنها سر بزند و نباید این رفتارها را ۹۵ درصد دست اندر کاران آن مشاغل تعمیم داد.

■ متأسفانه در عده بسیار قلیلی از همکاران ما دیده می شود که آنچه را درباره بهداشت و لایف استایل زندگی توصیه می کنند رعایت نمی کنند که بیشتر ریشه در مشکلات اجتماعی، خودرادی آنها دارد و خوشبختانه خودشان هم اعتراف می کنند.

■ فلا بنده چون داشنجو هستم فقط شهریه عمومی ام ارتزاق می کنم، به هر حال راضیم. تمایل به کار در خارج در قشر ما خیلی کم است چون فرصت شغلی آنچنانی در خارج ندارند و دانشته و مربوط به سلبقه آنها در نوع و روش زندگی فردی و خانوادگی آنهاست.

■ ضمن آرزوی سلامتی برای همکارانم به مردم خوب خودمان هم توصیه می کنم در برخورد با پزشکان حداقل درایی آنها را که احترام اجتماعی و حفظ حرمت شغلیشان است، بیش از پیش پاس بدارند.

■ دوست دارم روز پزشک خبر خوش اقتصادی در زمینه تجهیزات پزشکی و دارویی بشنوم.

دکتر جهانبخش اسلامی متخصص جراح عمومی، در وصف این پزشک نیز همان بس که بگویم آینه ای تمام نما از خوش گفتاری، خوش قولی و پشتکار است. تالیلهای نقاشی اش یک به یک گویای طبع لطیف و ذوق خوش اوست.



متولد ۱۳۲۴، فارسان از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری. تحصیلات ابتدایی متوسط را در اصفهان گذراندم و از دبیرستان سعدی دیپلم گرفتم. در سال ۱۳۵۳ در کنکور پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شدم. سال ۱۳۶۰ در رشته جراحی عمومی که مورد علاقه ام بود قبول شدم و بعد از ۴ سال وارد تخصصی جراحی را

■ در آن موقع کنکور سراسری بر گزار می شد و پزشکی تهران بالاترین نمره و رتبه را در تمامی رشته ها داشت، پزشکی تهران ۲۰۰ نفر پذیرش داشت که در این جمع رتبه من ۳۱ بود.

■ از خاطرات شیرینم شاید در بخش پاتولوژی و میکرو بیولوژی که بودم و تصاویر زیر میکروسکوپ و رتقاشی می کردم برای من لذت بخش بود و مورد تشویق اساتیدم قرار می گرفتم، برای من انگیزه ایجاد می کرد.

■ از خاطرات تلخ آن دوران حملات گارد به خوابگاه بود که به دفعات اتفاق می افتاد.

■ به نظر من امکانات برای آموزش پزشکانی گذشته بهتر بود. در آن زمان اساتید با انگیزه و دانشجو کار می کردند، مسائل اقتصادی و سیاسی و جناح بندی مطرح نبود، تسهیلات رفاهی برای دانشجو فراهم بود به این دلایل آموزش بهتر بود.

■ پزشکی شغل سخت و با مسئولیت زیاد است، اکثریت قریب به اتفاق پزشکان صادقانه کار می کنند. اصلاً اعتقاد ندارم که پزشکان مرفهین بی درد هستند. در مقابل خدمتی که پزشک و جراح به بیمار ارائه می دهد و آنچه از نظر مادی به دست می آورد اصلاً تناسبی ندارد.

■ شما خبر دارید که حدود بیست ماه هست که پزشکان در یاقی از بیمه ها نداشته اند، این در حالی است که طبق قراری که بیمه ها با پزشک و بیمارستان دارند، باید بعد از ۲ ماه از ارائه خدمت

در یاقی | گروه سلامت
Z_VAFAE2009@ymail.com
شهر یورماه یعنی "بزرگداشت شیخ الرئیس بوعلی سینا" دست به کار تهیه صفحه ویژه این روز شدیم تا فارغ از چنین و چنان هست های این حوزه، به سهم خودمان به پزشکان متعهد کشور خدایقوی گفته باشیم. از تماس های تلفنی مکرر گرفته تا ارسال پیامک ساده و تلگرامی و واتسآپی، سعی شد پزشکانی که در نظر گرفته شده بودند از قلم نیفتند و در حد گنجایش صفحه، تحریر کننده صحبت هایشان باشیم. یکی دونفر با همان اولین تلفن با روی خوش حاضریشان را اعلام کرد، قدر دانی کرده و پس از چند روز به سوالات ارسال شده پاسخ دادند. برخی پس از چندین مر حله برقراری ارتباط بالاخره دکمه call را زده و مشایعت کردند. دو سه نفر هم نشان دادند که درخت هر چه پر بار تر افتاده تر، اگر در آن لحظه موفق به پاسخگویی نبودند بعداً خودشان تماس گرفته و پیگیر موضوع شدند. چند نفر باقی مانده در لیست اما، نه تنها دستشان را روی دکمه نرفت، بلکه گوشیشان را هم از دسترس خارج کرده و زحمت یک پیام کوتاه را هم به خودشان ندادند. یکی دو نفر از مسئولان ارشد وزارت بهداشت هم به خاطر نا کار آمدی مسئول دفتر و روابط عمومی هایشان بر جای مانده از این غافله شدند... به هر تر تیب چکیده ما حاصل دو سه هفته تلاش مداوم برای انجام مصاحبه ویژه روز پزشک، همراهی با تعدادی از پزشکان با اخلاق و توانمندی شد که در ادامه می خوانید. (بنا به رأی اکثریت، مصاحبه به صورت کتبی و مشترک صورت گرفت. سوالاتی نوستالژی گونه مطرح شد تا صرفاً خاطر های شود همانند یک قاب عکس یادگاری. "معرفی و بیوگرافی کوتاه - چی شد که حرفه پزشکی رو انتخاب کردید؟ در خواست با به نوعی اجبار و چشم و هم چشمی های رایج با علاقه واقعی خودتون بود؟) - رتبه کنکور تون؟ - جالب ترین و بدترین خاطرات دوران دانشجویی و اینترنتی؟ - عموماً معتقدند پزشکان قدیمی به خاطر مرارت ها و سختگیری های آموزشی که داشتند حاذق تر و به عبارتی کار بلد تر هستند؛ نظر شما در این رابطه چیست؟ - آیا پزشکان مرفهین بی درد هستند؟ - اگر پزشک نمی شدید به چه حرفه ای مشغول می شدید؟ - توصیه شما به فرزندانان برای انتخاب شغل چیست؟ آیا بهتر می دانید مسیر شغلی شما ادامه دهند؟ - توصیه شما به خانواده ها برای هدایت تحصیلی بچه هایشان چیست؟ به نظر شما چند درصد از پزشکان به قسم بقرات پایبند هستند؟ - عموماً بر این باورند که اغلب پزشکان آنچه که برای بیماران تجویز می کنند خودشان رعایت نمی کنند به ویژه در رژیم های غذایی و لایف استایل زندگی، نظر شما راجع به این موضوع چیست؟ - از حقوق و درآمد شغلان راضی هستید؟ چرا بر برخی پزشکان ترجیح می دهند در خارج از کشور خدمت کنند تا در داخل؟ - و در پایان هر چه می خواهید دل ننگتان بگویید."

حق الزحمه پرداخت شود. شما خبر دارید که بنده مالیات ۹۵ را پرداخت کرده ام؛ اما هنوز طلب ۹۵ را دریافت نکردم. شما خبر دارید که سال ۹۵ در ۳۰۰۰ تومان بوده والان ۱۱۰۰ تومان است، یعنی اگر طلب پزشک را الان پرداخت کنند فقط ۲۰ درصد ارزش دارد. با وجود این ها پزشکان به کار ادامه می دهند. پزشکان هم مثل همه آدم های جامعه زندگی دارند، معده و مری و کبد و طحال دارند، باید غذا بخورند، خانواده دارند، باید خانواده را اداره کنند، اگر برای بیماران مشکلی پیش بیاید، باید جوابگو باشند و اگر عرضه ایجاد شود، باید میلیون ها تومان دیه بدهند. در این مملکت کدام شیغل را سراغ دارید و کدام آدم را سراغ دارید که ساعت ۱۲ شب به بعد تلفن را جواب بدهد.

■ اگر پزشک نمی شدم، قطعاً رشته هنر نقاشی را به طور حرفه ای دنبال می کردم. الان هم به هنرین کار پزشکی بیشتر وقتم را به هنر می پردازم.

■ توصیه می کنم که بچه ها هر رشته و کاری که مورد علاقه آنهاست، دنبال کنند.

■ بهترین هدیه ای که دریافت کردم، کارت بستالی از دختر و پسرم بود که روی آن نوشته شده بود "بهترین بیبای دنیا".

دکتر فریدون عابدینی متخصص جراح عمومی، محال است در رویارویی با وی گره آخمی در چهره اش ببینسی. به گفته همکارانش بارها شده که پس از انجام جراحی های



سخت و پی در پی هنگامی که سر سجاده نماز خواش برده وقتی فوریتی پیش می آید باز هم با تبسم پاسخ سوالات را می دهد و اگر نیاز باشد خودش را به بالین بیمار می رساند. در توصیف این پزشک نیز همان بس که بگویم به رگم ورود به دوران طلایی سالمندی همچنان، متواضع، سرزنده، چیره دست و صد البته نیک روی و نیک گفتار است.

■ جراح عمومی و نیک گفتار است. ■ در دوران مسئولیتش معاونت درمان استان، برای اهالی رسانه مورد احترام و دوست داشتنی است. خودش راملزم به انجام بی کم و کاست وظایف محوله اش دانسته و هنگامی که پای دفاع از حقیقت و پاسداری از حقوق مردم در میان باشد تمام قد می ایستد حتی اگر بعضاً مورد سرزنش و سلب سمت واقع شود.

■ متولد کرمانشاه، تحصیلات تادپیلیم کرمانشاه، پزشکی عمومی و تخصص بیهوشی اصفهان است. ورود به عرصه پزشکی علاقه واقعی خود بود. پدرم از بازاربان قدیمی و خوشنام بودند تمایل داشتند من هم وارد بازار شوم و راه ایشان را